



گذار | نصرالله کسریان | عکس‌های ۱۳۴۶-۱۳۵۹



در میان حاده‌های گل آلود
چینه‌ها را می‌دیدم و کلمه‌های گچ اندود وی‌رور را
که به حای در پرده داشتند
من در مرکز جهان بودم،
در جهان این محله‌های عم‌انگیر و ندوی*

همه چیز تعبر می‌کند

در سال ۱۳۶۰ سحاه و چهار قطعه از عکس‌های سناه سفیدم را به صورت کتابی لاجر نام «زندگی» در سح
هزار نسخه با نهایی نسبت جلد سفید رنال مسسر کردم اندکی بعد عکس‌های همان کتاب به دلیل علاقه‌ای که
سخاطان اس برای فاب کردن عکس‌ها سان دادند به صورت مجموعه‌ای از کارت در همان سراز تجدید چاپ سد
تا گفته نماسد که پیش بر و در نحوه انقلاب بعدادی از همس عکس‌ها در سراز ده‌ها هزار نسخه با نا بی‌احاره
عکاس از سوی افراد و گروه‌های سیاسی محلف به چاپ رسیده بود

حدود سه دهه بعد، رمایی که عمق بر دندن را ناد گرفته بودم، نا مراجعه به آرسوم، اسحاب بعدادی از عکس‌های
«زندگی» و افزودن سحاه قطعه از عکس‌های همان دوره کتابی را نا نام «گذار» مسسر کردم، کتابی که به سها به
تفاظ مضمون، که به خاطر کیفیت چاپ تکسره نا «زندگی» مفاوت بود

در واقع نا گذسب رمان و بحولات احماعی در نگرس عکاس و حواس عکس‌ها سر نعری رح داده بود در حالی
که «زندگی» از مجموعه‌ای عکس‌های تراکنده که نس بر ففر و مسکت فرودسنان جامعه را سنان می‌داد فراهم
آسده بود، «گذار» روانگر سر بحولی بود که در جامعه به دنال انقلاب سفید در سال ۱۳۴۲ رح داده و بهائاً به
انقلاب ۱۳۵۷ اسامده بود

«گذار» سر سه سال بعد تجدید حاب سد

کتاب حاصر در ادامه آن نعبراب پیایی و سر علاقه عکاس و ناسر برای آن که کتاب از دسرس محاطبان حارح
شود، در قطعی کوچک بر و حذف ده عکس از حاب فلی، حنان که آسسی به مضمون نهایی «گذار» برند و
افزودن شرحی برای عکس‌ها، آن‌حا که سار بود، مسسر می‌سود

این کتاب نگاهی اسب به نعبرانی که به آرامی طی فرابندی سسناً طولانی به وبره در مناطق روسنایی ایران در
تاقسه سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۹ رح داده اسب نکى از سآمدهای انقلاب سفید سال ۱۳۴۲ که مهم برس سد آن
اصلاحات ارضی بود، ریسه کس سدن کساورران بی‌رمس، هجوم آنان به سهرها و گسشرش بی‌سابقه حاسه‌سسی
که سیاهی‌لسکر لارم برای انقلاب سال ۱۳۵۷ را فراهم ساحت

ن. کسرتان، آدر ۱۳۹۷

* بخشی از شعر «سوانر از گره‌های کولنره» پیر ناولو نارولینی ترجمه نادر نادریور از کتاب «حاکسبر حسد گراسی»